



LIDA Stories

lidastories.net

قصة اگوستينو / Agostino's story

LIDA Italia

Billie Cejka Risnes

Shir Ahmad Laiwal (prs)



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.
<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

قصة اگوستينو

Agostino's story



LIDA Italia

Billie Cejka Risnes

Shir Ahmad Laiwal

5

English / English (prs)



نام من اگوستینو است و من پنجاه و یک ساله هستم. کار من غذا
رسانی است. من دو دختر دارم مگر به بسیر کم می
رویم. من و پدر آنها یکدیگر زندگی نمی کنیم چرا که ما
گرفتیم.

...

My name is Agostino and I am 51 years old. My
job is delivering food by bicycle. I have two
daughters, but we hardly ever speak. Their
mother and I no longer live together because
we are divorced.

I live with my mother, as I cannot afford to pay rent after the divorce. Rent is very expensive in this city.

...

من با مادرم زندگی می‌کنم چرا که بعد از طلاق من نمیتوانم کرایه خانه را بپردازم. کرایه خانه در این شهر بسیار قیمت است.





چند ه پیش من به حیث سرایداره یک کمپنی گر می کردم. من اشچی خراب شده را جور می کردم، بکس ه را انتقال می دادم، و ب کهن کمک می کردم که به کمک من نیز می داشتند. یک روز کمپنی من را از وظیفه برطرف کرد. من نفهمیدم که چرا

...

A few months ago I was working as a janitor for a company. I repaired things that were broken, carried boxes, and helped when anyone needed it. One day the company fired me. I did not understand why.



بعد از مدت طولانی تهم کوشش هی ه به ثمر رسید. یکی از کمپنی هی بزرگ بید یک جریمه بزرگ پردازد و به کرکن ایشن، وظیفه دائمی بدهد. این اولین بڑ بود که در تهم جهن اینطور واقع شده است. معلوم میشود که چیزه پیشرفت می کنند

...

After a long time all our hard work paid off. One big delivery company had to pay a huge fine and to give workers permanent jobs. It was the first time that had happened anywhere in the whole world. It looks like things are starting to improve.

Together with delivery people from other companies, I took a course on workers' rights with a local union. They offered us legal advice free of charge. We struggled to get more recognition and rights.

...

همراه دیگران از شرکت های پیکر در
همراه دیگران از شرکت های پیکر در
همراه دیگران از شرکت های پیکر در
همراه دیگران از شرکت های پیکر در
همراه دیگران از شرکت های پیکر در
همراه دیگران از شرکت های پیکر در
همراه دیگران از شرکت های پیکر در
همراه دیگران از شرکت های پیکر در
همراه دیگران از شرکت های پیکر در
همراه دیگران از شرکت های پیکر در

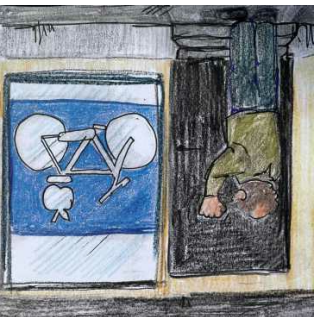


I saw many people delivering food by bicycle. I can ride a bicycle, so I knocked on the door of a big delivery company. They offered me three euros for each delivery. I make 40€ per day, 60€ if I am very lucky and the customers tip me.

...

برایم تیرت بدهد

من دیدم مردم را توسط پیکرهای غذا رسانده می کردند. من
من دیدم مردم را توسط پیکرهای غذا رسانده می کردند. من
من دیدم مردم را توسط پیکرهای غذا رسانده می کردند. من
من دیدم مردم را توسط پیکرهای غذا رسانده می کردند. من
من دیدم مردم را توسط پیکرهای غذا رسانده می کردند. من
من دیدم مردم را توسط پیکرهای غذا رسانده می کردند. من
من دیدم مردم را توسط پیکرهای غذا رسانده می کردند. من
من دیدم مردم را توسط پیکرهای غذا رسانده می کردند. من
من دیدم مردم را توسط پیکرهای غذا رسانده می کردند. من
من دیدم مردم را توسط پیکرهای غذا رسانده می کردند. من





من را در روزهای رخصتی پैसे نه میدهد، پيسه مريضی نه میدهد، تقریباً هیچ حقوق به من نه میدهد، مگر من این وظیفه را نیز دارم. دیگر گرمندان مهاجرهی از تهم دنیهستند

...

I get no paid holiday, no sick pay, hardly any rights at all. I do not think that is right, but I need the job. Most of the other employees are immigrants from all over the world.



زیددی از غذا رساندن هر روز در حوادث زخمی میشوند. پس، وقتی که یک غذا رسان بیست و پنج سله را موتر زد و مرد، مسئولان به طرف ه توجه زیدد کرد. این جی شرم است که پیش از مردن او اینه به ه توجه خاص نمی کردن.

...

Many delivery people are injured in accidents every day. Then, when a 25-year-old deliveryman was hit by a car and died, the authorities started noticing us. It is a shame he had to die before that happened.